

عنوان مقاله:

نسبت علم و سیاست در طریقت های عرفانی عصر زندیه

محل انتشار:

تاریخ نگری و تاریخ نگاری، دوره 23، شماره 12 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسنده:

احمد عقیلی - استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

خلاصه مقاله:

دوران زندیه شامل حوادث بسیار مهمی در ارتباط با عرفان و تصوف و حضور آن در جامعه ی ایران است. با فروپاشی حکومت نادری و پدیدار شدن مبارزه ی فراگیر بر سر قدرت میان مدعیان، کشور عرصه ی هرج و مرج و ناامنی گسترده شد. اگرچه این امر آثار مخرب بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور داشت، تاثیر آن در بخش عرفان و تصوف بسیار زیاد بود؛ زیرا صوفیان نیز مانند سایر مدعیان کوشیدند تا دوباره قدرت ازدست رفته شان را به دست آورند؛ به این ترتیب عرفان نیز وارد مرحله ی جدیدی از حیات خود شد. در این دوران، دو سلسله ی مهم نعمت اللهیه و ذهبیه رشد و گسترش یافت. به ویژه با مهاجرت و بازگشت معصوم علیشاه دکنی از هند به ایران که در شیراز و اصفهان حضور یافت، سلسله ی نعمت اللهیه از رونق و قدرت زیادی برخوردار شد. اما همین استقبال و گرایش مردم به آن ها، موجبات ترس نهاد دین و دولت را فراهم کرد و ناگزیر از برخورد با این جریان شدند. برخلاف سلسله ی نعمت اللهیه، بزرگان سلسله ی ذهبیه به دلیل ارتباط با فقهای شیعه و همچنین شیوه ی طریقتی خویش که به شریعت عنایت خاصی داشتند، موجب شدند تا طریقه ی فکری آنان بسیار کمتر از فرق دیگر تصوف مورد مخالفت متشرعان قرار گیرد. در این مقاله، به چگونگی حضور این دو فرقه ی صوفیه در تحولات تاریخی پس از سقوط صفویه، نحوه ی تعامل حاکمیت سیاسی با این دو فرقه، بررسی فعالیت آنان در عصر زندیه و در نهایت بررسی گرایش های عرفانی علما، فلاسفه و فقهای این دوره پرداخته می شود.

کلمات کلیدی:

تصوف، زندیه، ذهبیه، نعمت اللهی، عرفان نظری، آقامحمدبیدآبادی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/864129>

